ارتکاز اولی شهر شخصی در سال

- پیشنهاد مقاله پژوهشی نوعیت ای شخصیت در مسائل رؤیت هلال، و روال شروع مقاله

پیشنهاد مقاله پژوهشی ِ نوعیت ای شخصیت در مسائل رؤیت هالل، و روال شروع مقاله

(00:18)

اصل سؤال ما این بود که خالصه تعیین کنیم در ماه، در لیلة القدر، در روز عید، سر و کار ما با شخصیت است ای با نوعیت ؟ به گمانم سؤال خوبی است. نمیدانم در موضوعات فقهی متعددی که پایان نامه نوشته شده، این موضوع هست ای نیست. یک پیشنهاد خوبی است؛ در ذهن شریفتان باشد. مقاله بشود، پایان نامه بشود. اینکه سر و کار ما در تقویم و مسائل رؤیت هالل با شخصیت است ای با نوعیت است؟

فرمایشی هم از مرحوم استاد حسن زاده در فدکیه گذاشته بودند؛ ظاهر عبارت ایشان هم نوعیت بود. خود لیلة القدر را یک حقیقت ملکوتی دانستهاند که ظهور و بروز پیدا میکند. ظاهر عبارتشان این بود که در هر سال نوعی است. خب مثل این جور استادی که جامع بین فن هیئت و علوم حوزوی هستند، اینطور میگویند. خالصه این سؤال خوبی است که به دنبالش برویم و مطالب و ادله را جمعآوری کنیم تا ببینیم سر و کار ما با شخصیت است ای با نوعیت.

شاگرد: مقصودتان از شخصیت و نوعیت چیست؟

استاد: الآن توضیح آن را با روالی که در ذهنم هست، عرض میکنم. کسی که بخواهد یک مقاله داشته باشد، این هم خودش یک روالی است. در همین شخصی و نوعی، نقطه شروع بحثتان میتواند جاهای مختلفی باشد. پیشنهادی که من عرض میکنم این جور است: از اینجا شروع کنیم و جلو برویم. گمان من این است: قبل از اینکه به فضای بحث بیاییم تا غامض بودن مراحل بعدیِ بحث برایمان جلوه کند، ارتکاز کل بر شخصیت است. یعنی چه؟ یعنی وقتی آیه شریفه «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِندَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ [1]» را میخوانیم، خودتان که اولین بار آیه را می بینید و تمام استادی که قائل به نوعیت میشوند، اولین باری که این آیه را میبینند و هنوز در این بحثها نبودند، میگفتند یعنی یک سال دوازده ماه دارد. ظاهر آیه را میگفتند. آن مطالب بالا و لطائفش را کاری نداریم. همان معنای دم دستی و عرفی آن را کار داریم. شماره ماهها دوازده است؛ یعنی در یک سال ماه محرم داریم، اگر ماه محرم شروع کنیم ای اگر از ماه مبارک شروع کنیم تا دوازده ماه برویم. همان جا اگر از آنها سؤال کنیم که در یک سال چند ماه مبارک داریم؟ چه جوابی میدادند؟ به ارتکازشان جواب میدادند که در یک سال، یک ماه مبارک داریم. نه اینکه دو تا ماه محرم داشته باشیم. در یک سال چند فرد ماه مبارک داریم؟ باز دقیقتر بشویم. قبل از این بحث ها، در هر سال یک فرد ماه مبارک داریم. این ارتکازی است از مثل این آیه شریفه.

جلوتر بروی‌م؛ الآن در اذهان سن کم بگیری‌د، تا سن بالا، داری‌م فعلاً فرض می‌گیری‌م که غوامض بحث ام مطرح نی‌ست. ذهنمان را از گام های بعدی که مشکل پیش می‌آی‌د خالی کنی‌م. فعلاً ما هستی‌م و یک فضای کلاس هندسه. دو تا چیز می‌آورند؛ یکی با ماکت‌های متحرک خورشی‌د را در مرکز نشان می‌دهد؛ البته بنابر خورشی‌د مرکزی. زمین هم دور خورشی‌د می‌گردد. بچه و بزرگ همه می بینند؛ ماه هم به دور زمین می‌گردد. ماه درحالی‌که به دور زمین می‌گردد، زمین هم خودش به دور خورشی‌د می‌گردد، در یک دوری که زمین به دور خورشی‌د می‌گردد، می‌بینی‌م ماه هم دوازده بار به دور زمین گشته است. این ماکت را هم ببینند. وقتی می‌گوی‌ی‌م ماه دوازده بار به دور زمین گشته، می‌گوی‌ی‌م این دوازده دور، دور نوعی است یا شخصی است؟ دور شخصی است. عرض می‌کنم شروع مقاله باید اینطور باشد. از ارتکازیات واضح عند الکل شروع کنی‌م. ماه به دور زمین می گردد و هر دورش هم یک شهر است، به‌عنوان تقویمی و هر چه که بفرمایی‌د ترسیمی می‌کنی‌م. همچنین در زمین مرکزی یا مختصات کره سماوی بروی‌د. الآن هم در رصدخانه ها هیچ‌کدام خورشی‌د مرکزی کار نمی‌کنند. کانورت و تبدیل دارند. در رصد خانه حتماً خودشان را مرکز فرض می‌گیرند و تمام حرکات را با این مرکز می سنجند. و الاّ محاسبه ممکن نیست. لذا استاد حاج آقا حسن زاده در درس مکرر می‌گفتند که در هیئت و نجوم ریاضی فرقی نمی‌کند که شما خورشی‌د را وسط بگذاری‌د یا زمین را مرکز بگذاری‌د. چون ریاضیات محاسبه است، سه هزار سال پیشتر به‌صورت خیلی دقیق محاسبه خسوف و کسوف می‌کردند. در تاریخ از تالس مَلَطی معروف است که در تاریخ مانده که کسوفی را پیشگویی کرد و شد. بگوی‌ی‌م خودش زمین مرکزی بود! زمین مرکزی بودن در هیئت و نجوم ریاضی فرقی نمی‌کند. بله، در هیئت و نجوم تجسمی درست است؛ می‌خواهی‌م آن نحوه حرکت را مجسم کنی‌م که خالصه کدامشان حرکت می‌کند؛ اینجا می‌گوی‌ی خورشی‌د مرکزی. لذا در تجسمی دو تا می‌شوند. یا در هیئت و نجوم صبغه محرکی و دینامیکی به این صورت است؛ نه صرف سینماتیکی حرکت. دینامیکی حرکت را که می‌خواهی‌د بررسی کنی‌د، موانع عجیب و غریبی پیش می‌آی‌د. قدیم می‌گفتند مکان طبیعی و حرکت دورانی کذا، بعد نیوتون آمد و گفت حرکت تابع جاذبه. البته او اولین شخص نبود، قبلاً عرض کردم که ثابت بن قرة اولین شخص بود. در شوارق به‌وضوح جاذبیت را توضیح می‌دهد. یعنی وقتی آدم می‌بینند، می‌بینند همین جاذبه است. مثال هم می‌زند و خیلی روشن است . این دینامیکی هیئت است. چه چیزی محرک این حرکت است؟ جاذبه است؟ آیا وراء جاذبه هست روی بعضی از مباحث نسبیت، یک جور فضا است؟ فضایی که حامل شد جاذبه است؟ ای نه، مکان طبیعی و حرکت دورانی است که در حکمت و طبیعیات گفته می‌شد؟ اینها مطالبی است که به هم ربطی ندارد. فعلاً سر و کار ما با شخصیت و نوعیت است. وقتی برای فضای ذهن کسی که فقط می‌خواهد با هیئت آشنا شود، به گمانم ارتکاز کل، شخصی است. یعنی هر سال یک ماه مبارک هست.

---

[1] التوبه ۳۶